

مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا خواجه‌سروی*
عباس فرهادی**

دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

چکیده

پژوهش پیش رو به بررسی اعتماد سیاسی و مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی در طول دهه اول انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۵۷) پرداخته است. در این پژوهش، اعتماد سیاسی با توجه به مؤلفه‌های مشارکت مردم در انتخابات دهه اول انقلاب، نوع نگرش و پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی دهه اول، وضعیت اقتصادی و نحوه تعامل دولت و مردم به لحاظ اقتصادی و برآیند اعتمادی این حوزه و همچنین نوع و میزان مشارکت مردم سنجیده شد. بر اساس روش‌های «توصیفی-تحلیلی» و همچنین تحلیل ثانویه اطلاعات دهه اول کشور، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بر اساس میزان بالای مشارکت مردم در انتخابات مختلف و نوع داوطلبانه بودن مشارکت آن‌ها، همچنین تلاش دولت در جهت تحقق عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد، وجود نخبگان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی از طبقات پائین و مورد اعتماد مردم مانند امام خمینی (ره) و دیگران، جنگ تحمیلی و شرایط برخاسته از جنگ، تحمل شرایط نامطلوب اقتصادی و تداوم حمایت‌های مردم از نظام و نخبگان و... در دهه اول اعتماد سیاسی بالای مردم به نظام جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، اعتماد سیاسی، مردم.

بی‌شک، اعتماد سیاسی مهم‌ترین سرمایه یک نظام سیاسی در دنیای کنونی می‌باشد که ادعای دموکراتیک بودن را دارد. اعتماد سیاسی حالت ذهنی مطلوب و مثبت است که از جانب شهروندان در خصوص نظام و نخبگان سیاسی حاصل می‌گردد. اعتماد سیاسی کالای با ارزشی است که دیدگاه مثبت مردم را نسبت به نخبگان و نظام سیاسی باعث گردیده و به عوامل مختلفی همچون میزان کارآمدی نظام سیاسی در خصوص برآوردن و پاسخگو بودن به تقاضاهای مردمی، تأمین رفاه عمومی و اجتماعی، صادق بودن با مردم، وجود رقابت‌های سیاسی واقعی در جامعه، وجود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه، وجود امنیت اجتماعی و اقتصادی و... وابسته می‌باشد. به گونه‌ای که هر اندازه نظام سیاسی در موارد بالا موفق‌تر عمل نماید اعتماد سیاسی بیشتری نیز به نظام وجود خواهد داشت که این اعتماد سیاسی باعث می‌گردد که نظام سیاسی مذکور از توانایی بیشتری در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برخوردار شود چرا که از مشروعیت بالایی در داخل برخوردار می‌باشد که این مشروعیت و پذیرش از جانب مردم، احترام جهانی با خود به همراه خواهد آورد و مسیر پیشرفت و تعالی را در داخل نیز هموار خواهد ساخت. از طرف دیگر کسری اعتماد سیاسی و زوال آن، معضلات و مشکلات فراوانی را بر سر راه یک نظام سیاسی ایجاد خواهد کرد چرا که هر نظامی اعتماد مردم خویش را به مجموعه حکومت از دست بدهد، نه تنها در داخل از اعتبار می‌افتد بلکه در عرصه بین‌المللی نیز موفقیت‌چندانی حاصل نخواهد کرد، چرا که دنیای کنونی یک کل به هم پیوسته می‌باشد که میزان مشروعیت دولت‌ها و حکومت‌ها در داخل یک کشور، افکار عمومی جهانی را مجاب به پذیرش خود در عرصه جهانی و همکاری با خود می‌نماید. لذا اهمیت اعتماد به یک نظام سیاسی تا بدان حد است که فقدان و یا کسری آن باعث تضعیف و در نهایت فروپاشی آن نظام خواهد شد که نمونه‌های عینی فقدان آن (اعتماد سیاسی) را در کشورهای عربی-اسلامی کنونی می‌بینیم که مردم این کشورها در اثر بی‌اعتمادی انباشته شده طی سالیان متمادی، سرانجام بر این حکومت‌ها شورش کرده که حرکت‌های آنان باعث انقلابات اخیر در کشورهای مذکور گردیده است. لذا ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی طی دهه اول انقلاب با چه میزان و تحولی مواجه بوده است که سعی کردیم در پرتو مؤلفه‌های اقتصادی، عملکرد و همچنین پایگاه طبقاتی نخبگان سیاسی، نوع و میزان مشارکت سیاسی

در انتخابات و مشارکت اجتماعی در نهادهای داوطلبانه و آگاهانه و همچنین جنگ و حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنگ علیه دشمن، به این سوال پاسخ دهیم.

۱. مباحث مفهومی و نظری

بی‌تردید برای پرداختن به بحث اعتماد سیاسی و آن هم در یک حوزه جغرافیایی خاص نمی‌توان در پرتو یک نظریه اجتماعی - سیاسی واحد به توضیح و تبیین آن پرداخت و این امر تنها در صورتی امکان تحقق دارد که ما مجموعه‌ای از نظریات جمع‌گرایانه و فردگرایی و همچنین نظریات راجع به مشروعیت سیاسی یک نظام سیاسی را در کنار هم قرار داده تا به الگوی مناسبی برای تحلیل و سنجش اعتماد سیاسی در یک نظام سیاسی دست یابیم. در این صورت است که می‌توان در وهله نخست متغیرهای دخیل در رفتار یک فرد را تحت شرایط و موقعیت‌های متفاوت سنجید و آنگاه نوع این رفتارها را در یک جمع و زندگی جمعی و نظام سیاسی خاص، مشخص نمود. لذا ما در این پژوهش نظریه مبادله را به کار گرفتیم تا رفتار فردی و انگیزه‌های افراد را از کنش‌های خاص اجتماعی و سیاسی به دست داده چرا که یکی و بلکه مهم‌ترین نتایج اعتماد سیاسی مطلوب در یک نظام سیاسی، مشارکت مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی آن می‌باشد. در ادامه به تشریح نظریه مشارکت و متغیرهای آن‌ها پرداخته تا در این چارچوب ارتباط بین میزان اعتماد سیاسی و همچنین میزان مشارکت و مشروعیت سیاسی یک نظام را با هم سنجیده که این‌ها خود از فاکتورهای مهم دخیل در میزان اعتماد سیاسی یک نظام می‌باشد. همچنین ما از نظریات سرمایه اجتماعی و اعتماد برای مفهوم بندی و یافتن متغیرها و مؤلفه‌های اعتماد سیاسی استفاده خواهیم کرد که شرح موارد بالا در ذیل خواهد آمد.

۱-۱. مفاهیم نظری مبادله

این نظریه که در نقطه مقابل نظریه ساختارگرایی پارسونز قرار داشته بر روی فرد در میان اجتماع تأکید کرده، چرا که معتقد به وجود ارتباط مبادله‌ای میان افراد و بررسی رفتار آن‌ها (و شخص) می‌باشد. در این تئوری سودگرایانه رفتار و اهداف انسان بر اساس سود و منفعت طراحی و سازمان‌دهی می‌شود و دقت انسان به این نکته معطوف می‌شود که آیا کاری را که انجام می‌دهد برایش سودآور و مفید است یا نه؟ از این رو هر آنچه سودی با خود به همراه داشته باشد از نظر او ارزشمند است. بنابراین همواره بر اساس نوعی از «تحلیل موقعیت»

قاعده غالب میان نفع عموم و نفع شخصی، می‌باشد که خواه به نفع عمومی منجر شود و خواه نشود (حیدری، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

هومنز^۱ ضمن بهره‌گیری از دیدگاه روانشناختی اسکینر^۲ در تشریح رفتار کبوتر، در پرتو قضایایی نظریه مبادله خویش را به عرصه جامعه‌شناسی عرضه کرد. وی در پرتو قضایایی همچون قضیه موفقیت (پاداش)، قضیه محرک (انگیزه)، قضیه ارزش (تشویق و تنبیه)، قضیه محرومیت سیری (اشباع)، قضیه پرخاشگری- تأیید و قضیه هزینه و سود نظریه مبادله را به انضمام درآورد (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۲۹۴). بر اساس این نظریه مردم نیز در عرصه اجتماع، زمانی اعتماد بیشتری را به حاکمان خود خواهند سپرد که حاکمان نظر آن‌ها را در امتیازات و انتظارات دلخواه مردمی جلب نماید (ریتزر، ۳۸۲، ص ۲۸۱). به عبارت بهتر، به هر میزانی حکومت تواناتر در پاسخگو بودن به درخواست‌های مردم باشد، اعتماد (سیاسی) مردم نیز به این حاکمان بیشتر خواهد شد و این درخواست‌ها نیز ممکن است مادی و یا معنوی و ارزشی بوده باشند که مهم میزان موفقیت دولت‌ها در برآوردن این حوائج می‌باشد.

۲-۱. مفاهیم نظری مشارکت سیاسی

اهمیت مشارکت سیاسی با ظهور بحث مشروعیت و اقتدار برای دولت‌ها و حکومت‌های جدید برجسته شده است. مشارکت سیاسی به این معنا است که مردم یک جامعه در ابعاد و سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی یک کشور، نقشی مستقیم و درگیرانه داشته باشند. بنابراین امروزه اگر در یک نظام و کشوری بحث مشارکت سیاسی مردم از جایگاه محترم و قابل قبولی برخوردار نباشد، مشروعیت و اقتدار قانونی چنین نظامی دیر یا زود مورد تردید واقع شده و در نتیجه چنین نظامی فاسد شده و مجبور خواهد بود که با قوه قهریه به موجودیت خود تداوم بخشد که آن هم استمرار نخواهد داشت چرا که زور و قوه قهریه بعد از مدتی موضوعیت خود را از دست خواهد داد. جیرینت پری^۳ معتقد است که در مشارکت سیاسی باید سه جنبه آن را مورد بررسی قرار داد: شیوه مشارکت، شدت مشارکت و کیفیت آن را. (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴)

مشارکت سیاسی به دو نوع رسمی و غیر رسمی می‌باشد. در شکل مشارکت سیاسی رسمی می‌توان از نمودهایی همچون بدست‌گیری و احراز یک پست سیاسی و یا عضویت در یک حزب سیاسی و در یک سازمان سیاسی یاد کرد و در شکل غیر رسمی آن می‌توان از

بحث‌های درون گروهی و بین دوستان گرفته تا بحث‌ها و حرف‌هایی که در خانواده، محل کار و ... در خصوص مسائل سیاسی مطرح می‌شود، یاد کرد.

اما مشارکت سیاسی و تلاش در جهت آگاهانه کردن و در نتیجه افزایش آن برای تزیاید مشروعیت سیاسی یک حکومت، نیازمند پیش‌شرط‌هایی می‌باشد که ادیانی به شرح زیر برمی‌شمارد.

(۱) مردم باید دغدغه حکومتی داشته باشند و با علاقه‌مندی آن را بپذیرند.

(۲) چنان به حکومت باور داشته باشند که مانعی در ظهور آن نباشد.

(۳) باید آگاهی حکومتی داشته باشند و چنان عمل کنند که با ساختار و فرهنگ حکومتی انطباق داشته باشد (ادیانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸).

در اینجا می‌توان به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی مردم برابر است با میزان اعتماد و حمایتی که مردم به حاکمان سیاسی خود دارند. یعنی میزان بالای مشارکت سیاسی در انتخابات و سایر امور سیاسی، به منزله اعتماد سیاسی بالاتری در کشور می‌باشد که البته خود مشارکت در انتخابات، نیز سیال بوده و از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت می‌باشد.

۳-۱. مفاهیم نظری سرمایه اجتماعی

از نظر پوتنام^۴ سرمایه اجتماعی عبارتست از مجموعه ساختارهای اجتماعی مثل اعتماد و شبکه‌هایی که کارآیی جامعه را از طریق تسهیل رفتارهای مبتنی بر همکاری افزایش می‌دهد (Putnam, 1993, p.167). جیمز کلنن^۵، به عنوان یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی معتقد است که سرمایه اجتماعی، هنگامی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل می‌کند. مثلاً گروهی که اعضایش قابلیت اعتماد نشان می‌دهند و به یکدیگر اعتماد زیادی می‌کنند خواهند توانست کارهای بسیار بیشتر از گروهی که فاقد آن قابلیت اعتماد هستند، انجام دهد (شاپگان، ۱۳۸۶، ص ۷۵). کلنن، در بررسی ویژگی‌های روابط اجتماعی که می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی برای افراد تشکیل دهند به شش مورد اشاره دارد:

(۱) تعهدات و انتظارات (۲) ظرفیت بالقوه اطلاعات (۳) سازمان‌های اجتماعی انطباق پذیر:

مثل هیئت‌های مذهبی (۴) سازمان‌های تعهدی: مثل سازمان‌های انجمن اولیاء و مربیان و ... (۵) روابط اقتدار: مثل واگذاری حق وکالت مردم به نمایندگان مجلس (۶) هنجارها و ضمانت‌های اجرایی تأثیرگذار (شارع پور، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

همچنین کلمن در بررسی عوامل موثر بر ایجاد یا نابودی سرمایه اجتماعی به چند مورد اشاره می‌کند که یکی از این موارد ایدئولوژی و نقش آن در ایجاد سرمایه اجتماعی می‌باشد. از نظر کلمن، ایدئولوژی می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد. این امر در اثراتی که ایدئولوژی مذهبی در وارد کردن افراد برای توجه به منافع دیگران دارد، آشکار است. چنانچه ایدئولوژی در وجه خود سبزیگی، مانند آنچه طرفداران اپیکو در یونان باستان به آن اعتقاد داشتند یا ایدئولوژی‌ای که بر رابطه جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تأکید می‌کند (مانند آیین پروتستان) می‌تواند از لحاظ سرمایه اجتماعی جلوگیری کند (شایگان، ۱۳۸۶، ص ۹۱) که ما این بخش را عملاً در سال‌های پس از انقلاب شاهد بودیم.

چنانچه مشهود است اعتماد نیز یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد. اعتماد سیاسی یعنی اعتماد مردم به حاکمان، نیز برآمده از وجود فاکتورها و لوازم سرمایه اجتماعی در جامعه می‌باشد و میزان برخورداری جامعه از سرمایه اجتماعی پایه اعتماد سیاسی در یک کشور محسوب می‌گردد.

۴-۱. مفاهیم نظری اعتماد

از نظر «کلاوس اوفه»^۶، کارکرد اصلی اعتماد این است که میان سه ابزار اصلی جامعه مدرن هماهنگی برقرار نماید و این ابزارها را کارآمد نماید: پول در اقتصاد، اقتدار و قدرت در سیاست، دانش و اطلاعات در اجتماع (اوفه، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴، به نقل از ردادی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). بنابراین اعتماد مهم‌ترین عامل پیوستگی و تداوم زندگی اجتماعی مدرن می‌باشد. از نظر "پیتر زتومکا"^۷ این نقش ارتباطی اعتماد در زندگی اجتماعی را می‌توان در پنج عنوان مورد بررسی قرار داد.

نخست، اعتماد یک بعد مهم از فرهنگ مدنی تلقی می‌شود. همانطور که آلموند و وربا تأکید می‌کنند، «فرهنگ مدنی» به عنوان «یک برداشت همگانی و گسترده از رقابت سیاسی و اعتماد متقابل در بین شهروندان» تلقی می‌شود، (آلموند و وربا، ۱۹۸۰، ص ۴). به نظر می‌رسد که اعتماد، بازتابی از فضای گسترده از اعتماد بوجود آمده در بین افراد جامعه باشد. به بیان دیگر، اعتماد عمومی قابل تبدیل به اعتماد سیاسی است. (همان منبع، ۱۹۶۵، ص ۲۲۸: به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

دوم، اعتماد یکی از جهات مهم جامعه مدنی می‌باشد. از این رو مفهوم اعتماد دارای معنای خاص فرهنگی است. به این معنی که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف، نمی‌تواند وجود داشته باشد. تفاوت بین «اعتماد کردن و سوءظن» در نظرات جفری الکساندر، به عنوان یکی از ابعاد اصلی در بحث «قطبی شدن جامعه مدنی» مطرح می‌شود (الکساندر، ۱۹۹۲، ص ۲۹۳).

سوم، اعتماد یکی از مولفه‌های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است. پاتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خود جوش معرفی می‌کند که بوسیله اعتماد، گسترش یافته‌اند. اعتماد و مشارکت به طور متقابل به همدیگر وابسته‌اند: اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل‌گیری و تشکیل انجمن‌ها فراهم می‌سازد. «تئوری سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که هر چه بیشتر با افراد دیگر ارتباط داشته باشیم، بیشتر به آن‌ها اعتماد می‌کنیم و برعکس (پاتنام، ۱۹۹۵، ص ۶۶۵).

چهارم، اعتماد همچنین با ارزش‌های فرامادی ارتباط دارد. ارتباط با اجتماع، انسجام و هماهنگی بین شخصی بر اهمیت اعتماد دلالت می‌کند. تحقیقات انجام یافته توسط اینگلهارت و دیگران (اینگلهارت، ۱۹۹۰) نشان می‌دهد که کیفیت زندگی و رفاه مادی، با اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی قویاً ارتباط دارند (زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۱۸). پنجم، اعتماد پیش‌شرطی برای مشارکت سیاسی، معاملات تجاری و ... تلقی می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۱۸). از طرفی دیگر اعتماد سیاسی فرایندی است که از عوامل متفاوتی بصورت ملموس تاثیرپذیر می‌باشد که در زیر به این عوامل اشاره می‌کنیم.

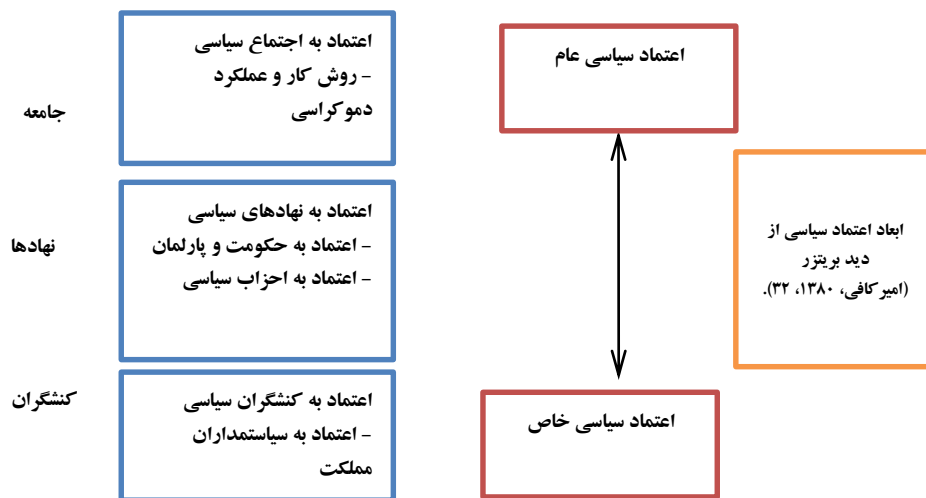
نخست: کیفیت خروجی‌های سیاست؛ هر چه خروجی‌های سیاسی به ترجیحات مردم نزدیک‌تر باشد، اعتماد سیاسی مردم افزایش می‌یابد. سیاست‌هایی همچون وضعیت مطلوب و آرامش اقتصادی، افزایش خدمات عمومی و... از این دست هستند. دوم: تناسب سیاسی؛ نزدیکی ترجیحات سیاسی مسئولین (مشروط به عملگرایی) به مردم باعث افزایش اعتماد سیاسی می‌گردد. سوم: رسیدگی‌های روندی؛ به معنی رعایت اصول انصاف، اعتدال و عدالت در رویه‌های نظام سیاسی می‌باشد. بدین معنی که پیدایش اراده قوی در برخورد با فساد اداری و اقتصادی، دروغ‌گویی‌ها و عوام‌فریبی مسئولین باعث افزایش اعتماد سیاسی می‌گردد و بی‌توجهی به آن‌ها کاهش اعتماد سیاسی را به دنبال خواهد داشت (ردادی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴).

چهارم: ویژگی‌های مقامات سیاسی؛ بدین شرح که به هر میزان مقامات سیاسی از شایستگی‌های مورد اقبال عمومی برخوردار باشند و به اصول ارزشی - اعتقادی و اخلاقی در رفتار و رقابت‌های سیاسی، امانت‌داری و درستکاری پایبند باشند، اعتماد سیاسی نیز وجود دارد و عدم پایبندی به این اصول باعث فروپاشی اعتماد سیاسی می‌گردد (ردادی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

از نظر برتیز اعتماد به دو صورت اعتماد بین نابرابرها (عمودی) و اعتماد بین برابرها (افقی) می‌باشد که اعتماد سیاسی:

الف - اعتماد افقی که اعتماد بین برابرهاست مثل اعتماد بین افراد هم رتبه یا بین شرکت‌ها که خود به دو نوع اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به دیگران) و اعتماد خاص (اعتماد مردم به دیگران یا مردم یک منطقه خاص) تقسیم می‌شود.

ب - اعتماد عمومی که اعتماد بین نابرابرهاست مثل اعتماد بین افراد و نهادها و یا اعتماد افراد به دادگاه، بانک و دولت (Beretzer, 2002, p.5). برتیزر اعتماد سیاسی یعنی اعتماد بین مردم و دولت را از نوع اعتماد عمومی می‌داند.

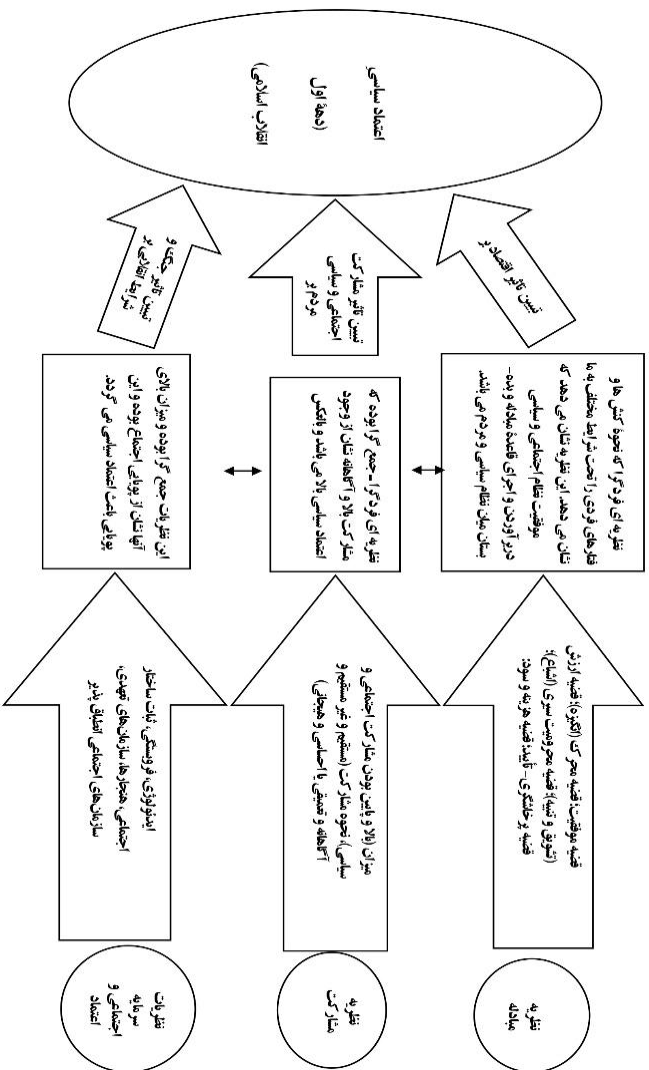


بنابراین از مطالب بالا چنین استنتاج می‌شود که اعتماد مهم‌ترین رکن در یک زندگی موفق اجتماعی می‌باشد. همچنین وجود اعتماد بالا، تداوم و تقویت ارتباطات و کارایی را در یک جامعه مدنی به دنبال خواهد داشت و باعث «تعاون، انسجام و پیوستگی اجتماعی، کاهش نیاز به نظارت مستقیم، افزایش مناسبات اجتماعی و سیاسی، افزایش نوآوری» گردیده (ردادی،

۱۳۹۰، صص ۱۳۶-۱۳۱) و کنش‌های اجتماعی را تسهیل خواهد کرد و فقدان آن به منزله وجود و شیوع سوءظن در جامعه می‌باشد که تعاملات و ارتباطات اجتماعی را با مشکل مواجه خواهد نمود و در شرایط اعتماد سیاسی می‌باشد که مردم حاضر به واگذاری حق و اختیار خود به حاکمان می‌باشند که در غیر این صورت حکومت مشروعیت خود را از دست خواهد داد. بنابراین با توجه به تئوری‌های بالا می‌توان مدل مفهومی و تحلیلی این پژوهش را در صفحه بعد ترسیم نمود.

۲. مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در دهه اول جمهوری اسلامی

در این قسمت برآنیم تا در ابتدا در پرتو نظریه مبادله و قضایای آن (قضیه موفقیّت (پاداش)، قضیه محرک (انگیزه)، قضیه ارزش (تشویق و تنبیه)، قضیه محرومیت سیری (اشباع)، قضیه پرخاشگری- تأیید و قضیه هزینه و سود) و همچنین حسب لزوم اعتمادسازی حکومت در ایجاد شرایط مطلوب رفاهی و اعطای امتیازات مطلوب و متناسب با ذائقه سیاسی، اجتماعی و ارزشی به مردم؛ ضمن بررسی و توصیف شرایط اقتصادی و اقتصاد جنگی کشور (به عنوان مهم‌ترین فاکتور در مطالعات اعتماد سیاسی در دنیای کنونی و تبیین نظریات مبادله و همچنین تشریح عملکرد اقتصادی دولت در راستای کوشش جهت جلب اعتماد مردم)، تاثیرگذاری آن (عملکرد اقتصادی دولت) را بر میزان و نحوه اعتماد مردم به نظام سنجیده و در ادامه در راستای نظریات مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی و اعتماد، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم، میزان حضور در جبهه‌ها، مشارکت در طرح‌های جهاد سازندگی، نوع انتخاب نخبگان و نحوه گزینش نخبگان (تمایل به اقشار سنتی و روحانی و نزدیک به خط امام) و ... را خواهیم سنجید که موارد مذکور را تحت عنوان مؤلفه‌های بیانگر اعتماد سیاسی از جانب مردم، مورد بررسی قرار خواهیم داد.



مدل مفهومی و تحلیلی پژوهش

۲-۱. رابطه عامل اقتصادی و اعتماد سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی

بر اساس نظریه مبادله در علوم اجتماعی، رفتار و کنش‌های افراد و جامعه تابعی است از میزان ستانده‌های آن‌ها و به هر میزانی که افراد از نظام سیاسی امتیاز کسب نمایند به همان میزان اختیارات و در نتیجه اعتماد خود را به حاکمان خواهند سپرد. از جمله مولفه‌های ملموسی که به خوبی نظریه مبادله را در علوم اجتماعی به تصویر می‌کشد بررسی تاثیر اوضاع و احوال اقتصادی بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی افراد جامعه می‌باشد. طی دهه اول انقلاب اسلامی و با عطف به شرایط جنگ و انقلاب گسترده در تمام حوزه‌ها، طبیعتاً اوضاع اقتصادی خوبی را نمی‌بایست انتظار داشت. همچنین که ایران کشوری تک‌محصولی بوده و اقتصادی بر مبنای نفت داشته و تنها در چند سال اولی بعد از انقلاب با تبانی کشورهای عمده صادرکننده نفت، از یک طرف قیمت نفت روز به روز کاهش می‌یافته و از طرفی دیگر درآمد سرانه مردم نیز پائین می‌آمده و اوضاع اقتصادی (با توجه به شرایط جنگی) نیز بدتر می‌شده اما با این حال مردم که بدنبال پیگیری و تحقق خواسته‌هایی فراتر از مادیات بوده و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب را جهت استقلال دنبال می‌کردند، تسلیم نشده و در عوض با حمایتی قاطع‌تر از نظام اسلامی، اعتماد خویش را به رغم محرومیت‌های اقتصادی به حکومت ابراز می‌کردند. لذا ما ابتدا به میزان صادرات نفت در طول جنگ تحمیلی اشاره می‌کنیم تا دریابیم که اقتصاد کشور وضعیت بحرانی داشته است چرا که روز به روز صادرات نفت کاهش یافته و قیمت نفت نیز پایین می‌آمده و در ادامه به میزان درآمد سرانه مردم اشاره می‌کنیم و در نهایت به فاکتورها و عواملی در ساختار اقتصادی کشور اشاره می‌گردد که علی‌رغم اوضاع نامساعد اقتصادی، باعث اعتمادسازی در میان جامعه گردیده و نشان می‌دهد که تحقق ارزش‌های و آرمان‌های انقلاب (مثل عدالت و برابری، مبارزه با فساد و فاصله طبقاتی، ظلم‌ستیزی و... در اقتصاد) نسبت به منافع و سود اقتصادی کوتاه مدت، برای مردم در اولویت قرار داشته است. قیمت نفت ایران در بازارهای جهانی در سال‌های جنگ - بر اساس بشکه دلار (منبع: OPEC: annual statistical Bulletin).

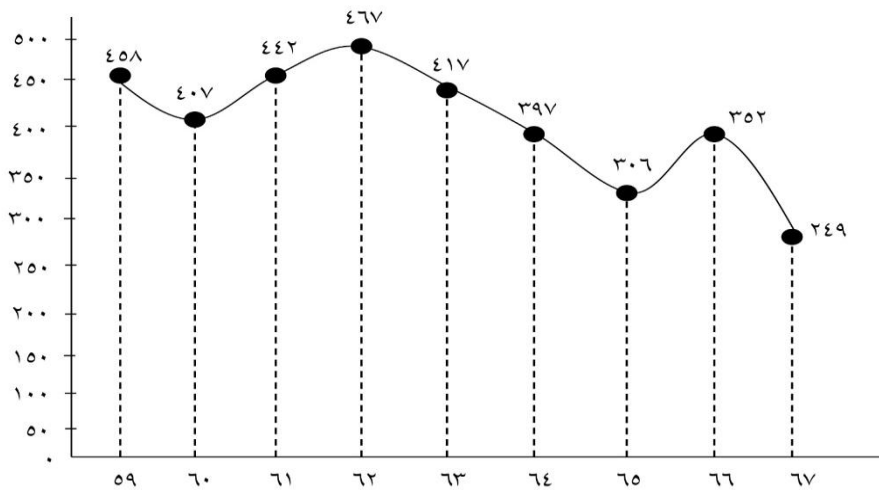
سال رشد تولید	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
تولید ناخالص داخلی	۱۴۹ و ۱۷۸	۲۸۱ و ۱۷۰	۶۶۷ و ۱۹۱	۸۷۷ و ۲۱۲	۵۱۶ و ۲۰۸	۶۸۶ و ۲۱۲	۳۳۵ و ۱۹۳	۱۹۱/۳۱۲	۸۳۳ و ۱۸۰
نرخ رشد (درصد)	-۱۵/۱	-۴/۴	۱۲/۶	۱۱/۱	-۲	۲	-۱/۹	-۱/۱	-۵/۴

چنانچه ملاحظه می‌گردد و میزان صادرات نفت خام ایران از قریب ۵ میلیون شبکه در قبل از انقلاب و جنگ به میانگین ۲ میلیون در سال‌های جنگ تحمیلی کاهش یافته و به همین ترتیب قیمت نفت نیز روز به روز کاهش می‌یافته به طوری که از میانگین ۳۳/۵ در اولین سال جنگ تحمیلی به میانگین ۱۳ دلار در سال‌های پایانی جنگ رسیده که این خود وضعیت اقتصادی ایران (با توجه به وابستگی صرف آن به درآمدهای نفتی) و آن هم در شرایط جنگی را روز به روز بدتر می‌کرد. نتیجه این وضعیت را می‌توان در مقدار و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در مدت هشت سال جنگ تحمیلی به صورت زیر مشاهده نمود:

سال قیمت نفت	۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۱۳۶۰ (۱۹۸۱)	۱۳۶۱ (۱۹۸۲)	۱۳۶۲ (۱۹۸۳)	۱۳۶۳ (۱۹۸۴)	۱۳۶۴ (۱۹۸۵)	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)	۱۳۶۶ (۱۹۸۷)	۱۳۶۷ (۱۹۸۸)
نفت سبک	۳۴/۲	۳۳/۲	۳۰/۳	۲۸/۱	۲۶/۸	۲۶	۱۳/۵	۱۷	۱۳/۲
نفت سنگین	۳۳/۹	۳۱/۵	۲۸/۷	۲۷/۲	۲۶/۱	۲۵/۵	۱۳	۱۶/۵	۱۲/۸

همانگونه که در جدول بالا آمده در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، (به دلیل انقلاب و روند سال‌های قبل) روند این شاخص بشدت نزولی است. مابقی سال‌های این دهه، (به استثنای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲) رشد تولید ناخالص داخلی به دلیل بروز شوک نفتی و سایر شرایط اجتماعی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی، منفی بوده است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶).

در علم اقتصاد بدنبال کاهش رشد اقتصادی یک کشور، اولین شاخصی که در سطح ملی برای بررسی میزان تاثیرگذاری این وضعیت بر جامعه سنجیده می‌شود، میزان درآمد سرانه مردم می‌باشد. اینک با نگاهی به درآمد سرانه ایران در طول هشت سال جنگ می‌توان به خوبی پرده از این اوضاع برداشته و نشان داد که با توجه به وضعیت نامطلوب اقتصادی درآمد سرانه نیز هر ساله کاهش می‌یافته است.



(منبع: بانک مرکزی)

با نگاهی به نمودار بالا متوجه می‌شویم که از اوایل انقلاب و شروع جنگ تا پایان آن (بجز سال ۶۱ تا ۶۳ در مابقی سال‌ها) شاهد رکود و کاهش در میزان درآمد سرانه ایران می‌باشیم که این روند از ۴۵۸۳ سال ۱۳۵۹ به میزان ۲۴۹۸ در سال ۶۷ کاهش یافته است (مجموع آماری ایران، ۱۳۷۶، ص ۲۰۵) و بجای اینکه سیری صعودی داشته باشد، روز به روز کاهش می‌یافته است که این خود به خوبی بیانگر وضعیت نامطلوب اقتصادی جامعه می‌باشد.

۱-۱-۲. وضعیت اشتغال در دهه اول انقلاب

از جمع نمودارهای وضعیت اقتصادی یک کشور، وضعیت اشتغال و میزان شاغلان و بیکاران در آن کشور می‌باشد بدین صورت که هر چه میزان بیکاری کمتر باشد نمایانگر پویاتر بودن اقتصاد آن کشور است. در طول دهه اول انقلاب و جنگ تحمیلی بیکاری رشدی فزاینده داشته است. این خود، با توجه به شرایط جنگی معمول می‌باشد. نرخ بیکاری از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۱۵/۹ در سال ۱۳۶۷ رسید. بررسی سالانه آمار بیکاری در ۱۰ سال اول

انقلاب نشان می‌دهد که نرخ بیکاری تقریباً در تمامی این سال‌ها افزایش داشته است. بدین گونه که در دو سال آغازین جنگ به ترتیب ۱۱/۸ درصد و ۱۲ بوده که با روند افزایشی تا سال ۱۳۶۵ نیز ادامه یافت و در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ به ترتیب به ۱۲/۶ درصد، ۱۳/۱ درصد، ۱۳/۶ درصد و ۱۴/۲ درصد رسید. نرخ بیکاری در سال ۱۳۶۶ به ۱۳ درصد کاهش یافت اما مجدداً در سال ۱۳۶۷ به ۱۵/۹ درصد افزایش یافت که این سال بالاترین نرخ بیکاری را در مدت جنگ و دهه اول انقلاب داشته است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷، صص ۱۹-۱۸).

۲-۱-۲. تورم

تورم یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است که روند تحول قدرت خرید خانوارها را در یک جامعه نشان می‌دهد بدین معنی که هر چه تورم بالا باشد قدرت خرید مردم پایین‌تر می‌آید و بالعکس؛

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
نرخ تورم (درصد)	۲۳/۷	۲۲/۸	۱۹/۴	۱۴/۸	۱۰/۴	۶/۹	۲۳/۷	۲۷/۵	۲۹

نرخ تورم در سال ۱۳۵۹ با دو برابر افزایش از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۳/۷ درصد رسید. اما پس از آن سیر نزولی داشته و در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ به ترتیب به ۲۲/۸ و ۱۹/۴ درصد کاهش یافت (مجموعه آماری ایران، ۱۳۷۶، صص ۳۳۷). این سیر نزولی نرخ تورم تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ به پایین‌ترین نرخ خود در دهه‌های اخیر رسید. ولی دیری نپایید این نرخ افزایش یافته و به بالاترین میزان خود در این دوره رسید که در نهایت به ۲۹ درصد در سال ۱۳۶۷ رسید. اما در این میان یعنی وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور در دوران جنگ، می‌بایست از کارایی نظام جمهوری اسلامی در راستای عدالت اجتماعی به چند مورد اشاره نمود که بیانگر توجه و عزم جدی نظام به مسئله عدالت اجتماعی و رعایت حقوق تمام شهروندان اشاره نمود که این‌ها خود دلایلی برای اعتماد مردم به نظام و مسئولان حکومتی بوده است.

۲-۱-۳. موارد اعتماد ساز اقتصادی

۲-۱-۳-۱. مبارزه با احتکار و گران‌فروشی: یکی از پدیده‌های مذموم و غیر انسانی در حوزه اقتصاد در دوران جنگ این بوده است که افرادی سودجو در سال‌های جنگ تحمیلی (بالاخص سال‌های پایانی جنگ) دست به احتکار و گران‌فروشی زده و از این راه لطمات سنگینی به نظام در حال جنگ وارد می‌کردند. طبیعتاً این وضعیت باعث کمبود کالا در دوران خاصی شده و وقتی بازار از کالاهای خاص با کمبود مواجه می‌شد این افراد کالاهای احتکار شده را روانه بازار کرده و با قیمت‌های بسیار بالاتر به فروش می‌رساندند. لذا یک شبکه گسترده زیرزمینی ایجاد کرده که صرفاً به دنبال سود بیشتر بوده و نوعی سوداگری را در یک کشور اسلامی به راه انداخته که با شرع و قانون در تضاد بوده است. لذا با پی بردن به این مسئله دولت‌های وقت به مبارزه با این پدیده زشت پرداخته و با افزایش محکوران و گران‌فروشان و گسترش دامنه فعالیت آن‌ها در سراسر کشور، که پیامد وضعیت بحرانی و جنگی است، سبب شد تا در مرداد ۱۳۶۶ امام خمینی (ره) اجازه استفاده از تعزیرات حکومتی و برخورد شدید و قاطع دولت با چنین پدیده‌ای را صادر نماید. ایشان خطاب به نخست وزیر تصریح می‌کنند: دست شما برای نرخ‌گذاری همچنان باز است، با قاطعیت عمل کنید و جهت اجرای ضوابط و قیمت‌های تعیین شده می‌توانید از تعزیرات حکومتی استفاده کنید، در مقابله با مسئله گرانی با قاطعیت برخورد کنید. (یزدان فام، ۱۳۷۸، ص ۳۹) که به دنبال این حکم اجرای طرح مبارزه با احتکار و گران‌فروشی در سراسر کشور آن‌ها گردیده که نفس این حرکت باعث اعتماد مردم به مسئولان گردید.

۲-۱-۳-۲. سهم دهک‌های عمده: از آنجایی که شعار عدالت اجتماعی یکی از شعارهای اصلی جمهوری اسلامی بوده است لذا کم شدن فاصله طبقات و دهک‌های مختلف جامعه از اهداف اصلی کشور در حوزه اقتصادی محسوب می‌گردید، بدین وسیله برای تبیین روند توزیع درآمد، نسبت سهم ثروتمندترین دهک به سهم فقیرترین دهک درآمدی و همچنین سهم درآمدی ۴۰ درصد از فقیرترین خانوارها، باید محاسبه گردید. چنانچه آمارها حکایت از وضعیت نسبتاً خوبی داشته به طوری که نسبت سهم ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک درآمدی از ۲۴/۱۴ به ۲۲/۱۹ کاهش یافته است. همچنین سهم درآمدی ۴۰ درصد از فقیرترین خانوارها از ۱۳/۹۳ در سال ۱۳/۶۱ به ۱۴/۲۱ در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است.

وضعیت سهم دهک‌های عمده

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
نسبت سهم ثروتمندترین به فقیرترین دهک (سهم ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین)	۲۴/۲۳	۲۴/۳۰	۲۲/۲۲	۳۵/۵۱	۲۶/۰۸	۲۴/۹۹	۲۹/۷۸	۲۳/۱۷	۲۲/۱۹
سهم درآمدی ۴۰ درصد از فقیرترین خانوارها	-	-	۱۳/۹۳	۱۳/۲۷	۱۳/۲۶	۱۳/۴۰	۱۲/۷۱	۱۳/۸۶	۱۴/۲۱

منبع: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۷، ص ۴۵

۲-۱-۳- ضریب جینی: ضریب جینی از شاخص‌های مهم اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است و میزان تمرکز درآمد را اندازه‌گیری می‌کند و هر چه از میزان تمرکز درآمد و ثروت در جامعه کاسته شود عدالت و برابری بیشتر خواهد بود. دامنه تغییر این شاخص بین صفر و یک است. بر اساس این شاخص هر چه درصد بیشتری از درآمد جامعه در اختیار درصد کمتری از افراد جامعه قرار گیرد میزان نابرابری در جامعه بیشتر است و موارد عددی این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر خواهد بود و هر چه از میزان تمرکز درآمد و ثروت در جامعه کاسته شود و عدالت و برابری در جامعه گسترش یابد میزان عددی این شاخص به صفر نزدیک‌تر خواهد بود. (دژپسند، رئوفی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵). بر اساس آمارها ضریب جینی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ نسبت به پیش از آن کاهش یافت.

جدول ضریب جینی اقتصاد کشور در دهه اول انقلاب

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
ضریب جینی	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۴۰

منبع: بانک مرکزی ج. اسلامی

چنانچه ملاحظه می‌گردد با وجود مشکلات فراوان بویژه در سال‌های پایانی جنگ ضریب جینی کنترل شده و نسبتاً پایین بوده است. ضریب جینی در سال‌های جنگ روند نسبتاً مناسبی داشته حتی در سال پایانی جنگ یعنی ۱۳۶۷ با کاهش زیاد نسبت به سال قبل از جنگ، یعنی ۱۳۵۸ که معادل ۰.۵۱٪ بود، کمتر بوده است (صدرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). بنابراین این شاخص مبین بهبود روند توزیع درآمد کشور در سال‌های جنگ تحمیلی است که نشان از عزم و توجه مسئولان به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی در میان جامعه داشته و این‌ها خود در اعتماد مردم به مسئولان به شدت تأثیرگذار بوده است.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد می‌توان گفت با توجه به شرایط حاصله از انقلاب و بدنبال آن جنگ تحمیلی، کشور در دهه اول در حوزه اقتصاد در بدترین وضع ممکن قرار داشته بطوری که نرخ بالای بیکاری، تورم بالا، کاهش سرانه ملی، کاهش تولید داخلی و... گویای این وضعیت می‌باشند ولی با توجه به همین شرایط نامناسب اقتصادی، ما شاهد مظاهر اعتمادسازی در حوزه اقتصاد از جانب سیاستمداران و تصمیم‌سازان می‌باشیم. چنانچه مبارزه با احتکار و گران‌فروشی، کاهش اختلاف سهم دهک‌های عمده، کاهش ضریب جینی از جمله این عناصر اعتماد ساز می‌باشد که مردم علی‌رغم تحمل شرایط بد اقتصادی، حرکت دولت در جهت عدالت اجتماعی را احساس کرده که این باعث اعتماد به مسئولان نظام گردیده است. اعتمادی که باعث گردیده که علی‌رغم وضعیت نامطلوب اقتصادی، مردم ما (افزون بر حس مقاومت میهنی) همچنان در جبهه‌های جنگ حضوری پر رنگ داشته، در عرصه‌های سیاسی مشارکت سیاسی گسترده‌ای را رقم زده، به حرف رهبر و مسئولین گوش فرا داده و یک صدا بر علیه استکبار و دشمنان نظام فریاد می‌زده، در سازندگی کشور در قالب جهاد سازندگی مشارکت می‌نمودند و... که همگی این‌ها مصادیق اعتماد سیاسی به نظام در دهه اول می‌باشد.

۲-۲. رابطه مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در دهه اول جمهوری اسلامی

۲-۲-۱. مشارکت سیاسی: هر چند مصادیق مشارکت سیاسی در تمدن‌های گذشته و کهن وجود دارند، اما بحث از مشارکت به عنوان یک مساله نظری و ملاک سنجش مشروعیت، مختص دولت‌های مدرن است که به موازات تغییر در مفهوم سیاست و نظام سیاسی از قلمرو دولت به دایره وسیع‌تر عمل سیاسی صورت گرفته است (فیرحی، ۱۳۸۴، ص ۴۲). از طرف

دیگر، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های میزان اعتماد سیاسی در نظام‌های دموکراتیک کنونی، میزان و نحوه مشارکت سیاسی مردم در فرایندهای انتخاباتی می‌باشد. بدین ترتیب که هر چقدر میزان مشارکت سیاسی در یک نظام سیاسی بالاتر و بیشتر باشد و همچنین این مشارکت آگاهانه و از روی درک عمیق مردم همراه باشد، می‌توان ادعا کرد که نظام سیاسی مذکور از اعتماد سیاسی بالایی برخوردار می‌باشد و بالعکس. بنابراین در اینجا ما برای بررسی روند تحولی اعتماد سیاسی در ج. ا. ایران، مشارکت سیاسی در انتخابات را به عنوان یک مولفه مهم برای بررسی وضعیت اعتماد سیاسی در دهه اول در نظر گرفتیم که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت. در دهه اول انقلاب یعنی از آغاز انقلاب تا آخر سال ۱۳۶۷، یازده انتخابات برگزار شد که در مجموع، میزان مشارکت مردمی در انتخابات را بالای ۵۰ درصد در مواردی نیز بسیار چشمگیر بالای ۷۰ درصد نشان می‌دهد.

ردیف	عنوان	درصد شرکت کنندگان	تاریخ
۱	همه پرسی جمهوری اسلامی	٪۹۸/۲	۱۳۵۸/۱/۱۲
۲	خبیرگان قانون اساسی	٪۵۱/۴۱	۱۳۵۸/۵/۱۲
۳	تأیید قانون اساسی	٪۷۹	۱۳۵۸/۹/۱۲
۴	دوره اول ریاست جمهوری	٪۶۷/۸۶	۱۳۵۸/۱۱/۵
۵	دوره دوم ریاست جمهوری	٪۶۴/۸۶	۱۳۶۰/۵/۲
۶	دوره سوم ریاست جمهوری	٪۷۴/۵۹	۱۳۶۰/۷/۱۰
۷	دوره چهارم ریاست جمهوری	٪۵۴	۱۳۶۴/۵/۲۵
۸	دوره اول مجلس شورای اسلامی	٪۵۲	۱۳۵۸/۱۲/۲۴
۹	دوره دوم مجلس شورای اسلامی	٪۶۵/۵	۱۳۶۳/۱/۲۶
۱۰	دوره سوم مجلس شورای اسلامی	٪۵۹/۸۲	۱۳۶۷/۱/۱۹
۱۱	دوره اول خیرگان رهبری	٪۷۷/۹۳	۱۳۶۷/۹/۱۹

منبع: عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲

همانطوری که در جدول فوق آمده است میانگین مشارکت در انتخابات در دهه اول جمهوری اسلامی قریب به ۶۸ درصد می‌باشد که این مشارکت را می‌توان مؤید حمایت فراوان مردم را از رهبر، ایدئولوژی، نخبگان سیاسی حاکم و ارگان‌های نظام به حساب آورد که این خود، در معنای وجود اعتماد سیاسی بالا به سیستم سیاسی وقت می‌باشد.

از جهتی وسیع‌تر، حضور همه جانبه مردم در این دهه از انقلاب نشان می‌دهد که مردم بین منافع فردی و منافع جمعی، دومی را انتخاب کرده‌اند و با روحیه همکاری و همبستگی

نیز بیشترین التزام را در این دهه از انقلاب به آرمان‌های واقعی اسلام اصیل داشتند. مردم شرکت در انتخابات را یک تکلیف شرعی و عرفی به نظام و مملکت می‌دانستند. از جمله [انگیزه‌های] حضور مردم در انتخابات (دهه اول) عمدتاً از نگرش «تکلیف‌مداری» و «ادای فرضیه دینی» ناشی می‌شده و «استیفای حقوق شهروندی» و «ادای وظیفه ملی» در مرحله بعدی قرار دارد (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴).

از جانی دیگر، بی‌شک اعتماد سیاسی و اعتقادی که مردم به نظام داشتند و همینطور شرکت در انتخابات به طرفداری از حاکمیت جمهوری اسلامی و کارگزاران آن، مهم‌ترین عاملی بوده که باعث سنگین‌تر شدن کفه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی - افزون بر بعد داخلی - در نسبت با سایر کشورها و در بعد خارجی گردیده است (پناهی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸). حال با مروری کوتاه بر شرح نسبی وقایع اول انقلاب و رویدادهایی که انقلاب با آن دست و پنجه نرم می‌کرده و همینطور با نشان دادن نقش برجسته مردم در طرفداری از آن می‌توان با نگاهی به میزان مشارکت مردم در انتخابات این دهه در جمهوری اسلامی، بر مطالب مذکور صحنه گذاشت. چنانچه، می‌توان از همه پرس‌های جمهوری اسلامی نام برد که این انتخابات از طرف گروه‌های چپ - که این همه پرس‌ها را به خاطر منافات داشتن با ایدئولوژی‌شان تحریم کرده بودند - در نتیجه مردم با پشت پا زدن به خواسته‌های گروه‌های مخالف ۹۸ درصد رأی خودشان را به هواداران نظام اسلامی می‌دهند و یا در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوم که مقارن با درگیر شدن چهار استان کشور در جنگ نابرابر با عراق بود مردم کشورمان در پای صندوق رأی حضور یافتند، در انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری نیز مقارن با شهادت رجایی ۷۴ درصد نیز در انتخابات شرکت کردند که این نشان از اعتماد سیاسی مردم به نظام سیاسی وقت خود دارد (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲).

در سایر انتخابات نیز وضع به همین منوال بوده است به عبارتی حضور چشمگیر مردم در تأیید نظام به چشم می‌خورده است. بدین ترتیب سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با حمله موشکی عراق به بسیاری از شهرها و از جمله تهران همزمان بود، با این همه مشکلات، اعتقادات مردم به نظام نیز در حد بالایی قرار داشت و یا در انتخابات دوره اول خبرگان همین اتفاق تکرار می‌شود که همه این‌ها نشان دهنده فراگیر بودن روحیه انقلابی مردم، احساس مسئولیت جمعی نسبت به نظام و تأیید رهبری و ارکان اسلامی در این دوران بوده است (بنگرید به عیوضی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴). بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که

با علم به رابطه مستقیم مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در یک نظام سیاسی، جمهوری اسلامی با توجه به مشارکت سیاسی وسیعی که در دهه اول انقلاب به خود دیده، از اعتماد بالای مردمی به خود برخوردار بوده و شاید یکی و بلکه مهم‌ترین عامل مقاومت رهبران سیاسی در برابر موج فشارها و حملات دشمنان همین پشتگرایی به مشارکت سیاسی عظیم مردمی بوده است و این مشارکت گسترده نیز بر اوضاع جنگ در جبهه‌ها و شرایط ملی و بین‌المللی در کشور تاثیرگذاری فراوانی داشته است.

۲-۱. مشارکت اجتماعی در طرح جهاد سازندگی و اعتماد سیاسی

در ساده‌ترین تعریف از مشارکت [اجتماعی] باید گفت روشی است برای تعلیم مردم به منظور شرکت در تصمیمات جمعی و قبول مسئولیت‌ها بدین سبب مشارکت [اجتماعی] عملی می‌باشد که در آن افراد پس از آشنایی با اجتماع و عقل جمعی اهدافی را با مسئولیت‌پذیری بالا را برای مناسبات اجتماعی پیگیر می‌شود. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود (دری، ۱۳۶۹، ص ۳۵). پیدایش جهاد سازندگی از جمله شاخص‌هایی است که در دهه اول انقلاب اسلامی به دلیل داوطلبانه بودن ماهیت آن، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اعتماد سیاسی به نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که در ۲۷ خرداد سال ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی با هدف از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه و دستیابی به قله‌های پرافتخار استقلال از طریق اتکا و اعتماد به نیروها و امکانات داخلی کشور تشکیل شد. جهاد سازندگی که پس از فرمان امام خمینی (ره) با دو حرکت و هدف اصلی رفع محرومیت از روستاهایی که از ساده‌ترین امکانات رفاهی محروم بودند و همچنین تأمین درآمد کافی و ایجاد اشتغال در روستاها و نهایتاً رشد و شکوفایی کشاورزی و خودکفایی کشور شکل گرفته شده بود، با حضور پرشور مردم گام‌هایی اساسی و زیربنایی برای سازندگی مناطق محروم و روستاهای کشور برداشته بود. این سازمان با جذب و مشارکت مردمی بطور گسترده‌ای فعالیت‌هایش را به اقصی نقاط کشور حتی به روستاییان که به مثابه سنگر نشینان جبهه تولید و خودکفایی کشور محسوب می‌شدند، ارائه نمود (شیرودی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). «شرکت در جبهه‌های جنگ و سازندگی در روستاها، صدور خدمات فنی، مهندسی، توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی، مقابله با کنترل سیر تخریب منابع طبیعی، احداث سیلوهای چند هزار تنی، ارتقاء برخورداری روستاییان از امکانات زیربنایی و رفاهی، خودکفایی محصولات پروتئینی حیوانی،

ریشه کنی بی‌سوادی و ... از جمله اقدامات این سازمان مردمی می‌باشد» (ایروانی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۸). بدین سبب این نهاد با پویایی و جاذبه‌ای که در بین عموم درست کرده بود طولی نکشید با یک تشکیلات قوی، نظامی را به نام جهاد سازندگی نهادینه کرد که خود الگوی عالی برای سایر سازمان‌های رسمی و سنتی کشور شد. بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که نفس شکل‌گیری یک سازمان اجتماعی (جهاد سازندگی) با این عظمت و وسعت در جمهوری اسلامی، به عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی نظام محسوب می‌شده که شکل‌گیری آن جز با تفاهم و اعتماد اجتماعی وسیع در میان آحاد جامعه، امکان‌پذیر نبوده است. از جانب دیگر زمینه‌های بروز توانایی‌های جهاد سازندگی که بر پایه وجود اعتماد اجتماعی فراوان شکل گرفته بود، بنا به فرمان امام خمینی (ره) جنبه عملیاتی و کاربردی به خود گرفته بود که این سرمایه اجتماعی ارزشمند (جهاد سازندگی) اگر از رفتار و کنش‌های رهبر و نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی رضایت حداکثری نمی‌داشتند طبیعتاً پس از مدت کوتاهی دچار فروپاشی و بی‌انگیزه‌گی می‌شده و به درد انحراف در اهداف مبتلا می‌شد که کارایی خود را از دست می‌داد. خلاصه اینکه تنها چیزی که به پیشرفت و دستاوردهای چشمگیر جهاد سازندگی - به عنوان مهم‌ترین تشکل مردمی و نمود کامل سرمایه اجتماعی - در کشور کمک می‌کرد وجود اعتماد اجتماعی درون گروهی و درون سازمانی و در مرتبه‌ای وسیع‌تر، وجود اعتماد سیاسی به حاکمیت در میان جامعه بوده است.

۲-۳. رابطه رهبری و نخبگان سیاسی انقلاب و اعتماد سیاسی در دهه اول انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی طبیعتاً ساختار قدرت نیز می‌بایست تغییر کرده و به سان حکومت اسلامی می‌بایستی رهبری واحد بر جامعه اسلامی حکومت کرده و کشور را بر اساس قوانین اسلامی اداره نماید. نخبگان قدرت جدید که در پی انقلاب شکل گرفتند گرداگرد شخص امام خمینی را فرا می‌گرفتند. آن‌ها عمدتاً شامل اعضای مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، هیأت دولت، روسای نهادهای انقلابی، ائمه جمعه، نمایندگان امام در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و انقلابی بودند (فوزی، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

از طرف دیگر، در جمهوری اسلامی بیشتر اعضای هیأت حاکمه، برخلاف هیأت حاکمه زمان شاه که عمدتاً از طبقات بالا و تحصیلکرده غرب بودند، مردانی با خاستگاه مذهبی و از طبقات پایین و متوسط بودند. بنابراین نخبگان سیاسی دهه اول در پیگرد اصول انقلاب اسلامی و روحیه استکبار ستیزی و توجه به طبقه مستضعفین، سعی تمام داشته‌اند تا

ضمن ساده زیستی و حفظ رابطه‌ای نزدیک با مردم به تقویت مبانی ارزشی حکومت پردازند که بر اساس نظریه مبادله، این ارزش‌ها در آن زمان بیشترین جذابیت را برای مردم به همراه داشتند. پایه‌های قدرت حکومت در این مقطع (دهه اول) را می‌توان ایدئولوژی و تأمین نظم عمومی ذکر کرد که در مقطع دهه اول انقلاب، پایه ایدئولوژی از اهمیت بیشتری در این ارتباط برخوردار است که در کلام و رفتار نخبگان سیاسی از جمله روسای قوا، نمایندگان مجلس و علی‌الخصوص، رهبر کاریزمای انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) نیز دیده می‌شد. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های کاریزمایی، ساده زیستی، ایمان صالح، سابقه سیاسی، اجتماعی و دینی درخشان امام خمینی (ره)، تمام نخبگان سیاسی نظام به نوعی مشروعیت و مقبولیت خود را از وی گرفته که این آینه اعتماد مردم به شخص امام خمینی بوده است. «مردم ایران در زمان انقلاب اسلامی، نسبت به امام خمینی (ره) اعتماد فوق‌العاده‌ای پیدا کردند... حتی پس از جنگ و افزایش هزینه‌های اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی، مردم دست از عشق و علاقه خود به امام برنداشتند و در انتخاب‌های سیاسی خود به کسانی اعتماد می‌کردند که خود را پیرو امام (ره) می‌نامیدند (ردادی، ۱۳۹۰، ص ۸۱). چنانچه بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور تا زمانی که حمایت و پشتیبانی امام برخوردار بوده، رئیس جمهور باقی ماند و هنگامی که حضرت امام حمایت سیاسی خویش را از ایشان سلب کرده، بزودی با مخالفت‌های مردمی روبرو شده و به دنبال آن با رأی عدم کفایت مجلس مواجه شده و از قدرت کنار گذاشته شد.

چنانچه گفته شد منشأ طبقاتی نخبگان سیاسی نقش مهمی در روند مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و همچنین میزان اعتماد سیاسی به حکومت را به دنبال خواهد داشت. در اینجا برای سنجش میزان و نوع اعتماد سیاسی ما به منشأ طبقاتی و شغل پدران نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سه دوره یعنی تقریباً از اول انقلاب تا سال ۱۳۶۷، نشان خواهیم داد.

دوره / شغل پدر	اول / درصد	دوم / درصد	سوم / درصد
معلم	۱/۲	۱/۲	۰/۴
نامشخص	۲/۴	۹/۷	۵۸/۶
روحانی	۲۹/۷	۲۵/۷	۱۱/۶
کارگر	۸/۲	۴/۱	۲/۹
کشاورز و دامدار	۲۸/۸	۲۹	۱۳/۱
بنا و معمار	۱/۸	۱/۹	۱/۱
بازنشسته و کارمند	۵/۸	۷/۱	۱/۸
کاسب و تجار	۲۶/۵	۱۹/۷	۱۰/۱
قاضی و وکیل پزشکی و مهندس	۱/۹	۲/۲	۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

با بررسی این جدول مشاهده خواهیم کرد که در سه دوره اول مجلس شورای اسلامی شغل پدران اغلب نمایندگان روحانی، کشاورز - دامدار و کاسب و تجار سنتی می باشد که این به معنای اعتماد مردم به نخبگان و افراد با پایگاه طبقاتی ساده زیست، سنتی و مذهبی (روحانی) و فرودست جامعه می باشد که این طبقات در گفتار و عمل از حمایت و پشتیبانی حضرت امام خمینی (ره) نیز برخوردار بوده و به امام نیز وفادار بوده اند. از دیگر مولفه هایی که ما را در رسیدن به یک نتیجه گیری ملموس تری جهت اثبات مدعای خویش رهنمون می سازد بررسی تعداد روحانیون ادوار قانونگذاری طی دوره مذکور یعنی دهه اول می باشد. چرا که این قشر (روحانیون) بیشترین سنخیت دیدگاهی و عقیدتی را با آرمان ها و ارزش های انقلابی و شخص امام خمینی و سایر افراد پایه گذار انقلاب، داشته اند و بررسی تعداد آن ها از این جهت با اهمیت می باشد که نشان می دهد میل اعتماد سیاسی مردم (با علم به مشارکت سیاسی گسترده مردم در انتخابات گوناگون) به چه سمت و سویی بوده است.

ادوار قانونگذاری		دوره دوم		دوره اول		دوره سوم
تعداد نمایندگان هر دوره		۲۶۹		۲۶۳		۲۷۷
گروه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نمایندگان روحانی	۱۳۱	۴۹/۵	۱۴۸	۵۵	۸۳	۳۰
نمایندگان غیر روحانی	۱۳۳	۵۰/۵	۱۲۱	۴۵	۱۹۴	۷۰

منبع: ازغندی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳

چنانچه ملاحظه می گردد، تعداد نمایندگان روحانی مجلس شورای اسلامی، که در دوره اول ۴۹/۵ درصد (یعنی ۱۳۱ نماینده از ۲۶۳ نماینده) بوده است (تقریباً نیمی از مجلس) در دوره

دوم به ۵۵ درصد (یعنی ۱۴۸ نماینده از ۲۶۹ نماینده) یعنی بیش از نیمی از مجلس رسیده که حاکی از فضای کاملاً مذهبی و سنتی جامعه داشته که مردم نیز به این فضا اقبال نشان داده، و این میزان در دوره سوم کاهش یافته بطوری که از ۵۵ درصد دوره دوم، به ۳۰ درصد (یعنی ۸۳ نماینده از ۲۷۷ نماینده) در دوره سوم کاهش یافته است ولی با یک نگاه کلی به این سه دوره، حضور این حجم از روحانی در مجلس و اعتماد مردم به این نمایندگان، نشان از شدت فضای مذهبی در کشور و همچنین اعتماد فراوان مردم به طبقه روحانی و مذهبی بوده که محور این روحانیون نیز، شخص حضرت امام و سایر روحانیون شاخص انقلاب بوده‌اند.

در یک جمع‌بندی از مطالب بالا می‌توان گفت که در دهه اول انقلاب اسلامی با توجه به حاکم بودن فضای انقلابی و فراگیر بودن ایدئولوژی انقلابی، فرهنگ‌های ارزشی نظیر ساده زیستی، راستگویی، ظلم ستیزی، مبارزه با دنیاپرستی، ثروت‌اندوزی و ... بر فضای ذهنی و سیاسی نخبگان حاکم بوده (و این ارزش‌ها برای مردم نیز ارزشمند بوده) و نخبگان سیاسی دهه اول انقلاب اکثر این ویژگی را دارا بوده و از طرف دیگر از جانب حضرت امام - به عنوان رهبر و معتمد مردم - نیز تایید می‌شدند. لذا اعتماد سیاسی بالایی را ما شاهد می‌باشیم که این نکته در حضور پرشور مردم در تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌های مختلف، حضور مکرر مردم در مراسم سخنرانی امام خمینی (ره) و سایر بزرگان نظام، در میزان آرای انتخاباتی و ... مشهود می‌باشد.

۲-۴. جنگ تحمیلی و اعتماد سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی

جنگ تحمیلی عملاً در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط عراق و صدام حسین با حملات سراسری، هوایی، زمینی و دریایی عراق به ایران در طول مرزهای مشترک از آبادان تا شمال قصر شیرین آغاز شد که در ابتدای جنگ مناطق مرزی به سرعت از جانب عراق مورد حمله واقع شده و بتدریج پاسگاه‌های مرزی به تصرف عراق در می‌آمدند و هدف رهبران عراق از تجاوز این بود که با شکست نظامی ایران اهداف خود مبتنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵، تجزیه استان خوزستان و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی را تأمین نمایند (فوزی، ۱۳۸۴، ص ۲۴). لذا ارتش عراق به سرعت وارد خاک ایران شده و از مرزهای غربی تا جنوب ایران مورد حمله قرار داده و این در حالی بوده که جمهوری اسلامی به دلیل مشکلات ناشی از شرایط انقلابی، اختلافات بروز یافته قومی، مشکلات اقتصادی و عدم آمادگی نیروهای نظامی ایران و توان مقابله برنامه‌ریزی شده و استراتژیک را با ارتش سازماندهی شده عراقی نداشته

و تنها مقاومت مردمی بوده که خیلی سریع جلوی تجاوز بیشتر عراقی‌ها را گرفته تا خاک کشورمان را اشغال نکنند (حسینی صدر آبادی، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

در سال‌های بعدی جنگ نیز این روند مقاومت و اقبال مردم به جبهه‌های جنگ نیز تداوم داشته است که گرچه مقاومت میهنی از جمله ویژگی‌ای ایرانیان می‌باشد ولی اگر اعتماد مردم به رهبری انقلاب و مسئولین نظام و آرمان‌های انقلاب نبوده دیر یا زود مردم خسته از جنگ، تسلیم دشمن می‌شدند کما اینکه ما این مورد را شاهد نبوده و تا روز پایانی جنگ شاهد مراجعه گسترده مردم به جبهه‌های جنگ می‌باشیم. بر این اساس، مقاومت مردمی در مقابل این تهاجمات را مهم‌ترین عامل توقف ارتش عراق باید ذکر کرد. هر چند نیروهای نظامی نیز، علی‌رغم ضعف‌ها و کاستی‌های موجود، با اندک امکاناتی که در اختیار داشتند، به شکل پراکنده به مقاومت پرداختند و در کند شدن این تجاوز نقش داشتند تا اینکه در سال‌های بعدی، جنگ بتدریج به نفع ایران و به ضرر عراقی‌ها در حال تداوم بوده است.

از جمله دیگر شواهد داوطلبانه بودن حضور مردم در جبهه‌های جنگ باید اضافه کرد که شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای نظامی و بسیج مردمی با یکپارچگی و اعتقادات دینی و ملی پایدار و همچنین تبعیت از حضرت امام خمینی در اندک زمانی به صورت خودجوش شکل گرفته و به مقابله با دشمن برخواسته که اگر اعتماد مردم به رهبری نظام و مسئولین نبوده، این همه بسیج داوطلبانه صورت نمی‌گرفته و مردم به جبهه‌ها مراجعه نمی‌کردند تا با دشمن بجنگند. چنانچه از مجموع ۲۱۳۲۵۵ شهید دوران جنگ تحمیلی تنها (تقریباً) ۲۵٪ آن‌ها (حدود ۵۴ هزار نفر) از نیروهای نظامی و انتظامی بوده (<http://mandegarmmmg.ir>) که تعلیمات جنگی دیده و به عنوان ارتش در نظر گرفته می‌شدند و مابقی این شهدا از بسیج و سپاه پاسداران و گروه‌های مقاومت مردمی بوده‌اند و همچنین از این مجموع شهید، بالغ بر ۱۵۵ هزار نفر مجرد، بوده و تنها ۳۰ هزار نفر آن‌ها از ۳۰ سال به بالا سن داشته‌اند که این مجرد بودن و با سن پائین تر از ۳۰ سال همگی نشان از کارکرد اعتماد مردم به رهبری و نظام انقلاب اسلامی بوده است که با عشق و اعتقاد به جبهه‌های جنگ وارد شدند (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۷/۶/۲۸). مردمی که در بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی قرار داشته و بیکاری، تورم، و ... که تا حدودی معلول شرایط انقلابی بوده - با پدید آمدن شرایط جنگی در کشور تشدید شده ولی با این حال مردم به دلیل اعتماد به سخنان مسئولان نظام و فرماندهان جنگ روز به روز بیشتر و بیشتر در حالت بسیجی و داوطلبانه وارد جبهه‌ها شده تا از میهن خویش دفاع

نمایند و خون خود را نثار انقلاب کردند (شیرودی، ۱۳۸۴، ص ۱۷). این مردمی بودن دفاع از کشور و حالت داوطلبانه بودن این مشارکت ناشی از وجود اعتماد سیاسی به نظام نوپای جمهوری اسلامی و آنهم در دهه اول و سال‌های آغازین عمر جمهوری اسلامی بوده است.

جمع‌بندی

اعتماد سیاسی در معنای اعتماد مردم به حکومت و نخبگان سیاسی می‌باشد و این پیام را به دنبال دارد که مردم به حاکمان وقت خویش اعتماد داشته و حاضر هستند با تمام توان با حاکمان همکاری نمایند که در این صورت، طبیعتاً نظام سیاسی مذکور از مشروعیت نیز برخوردار می‌گردد. اعتماد سیاسی شاخصه‌های زیادی داشته و عوامل مختلفی نیز بر آن تاثیر گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به «صادق بودن مسئولین با مردم؛ دلسوز بودن دولت مردان؛ باور به عدم سوء استفاده مسئولین از بیت المال و از مقام و موقعیت؛ باور به پایداری مسئولین نسبت به وعده‌هایی که داده می‌شود؛ باور به عدم فریب مردم از سوی مسئولین گروه‌ها و احزاب سیاسی؛ اعتقاد به راستگو بودن مسئولین سیاسی و احزاب سیاسی؛ حل منازعات سیاسی توسط حاکمان؛ تأمین امنیت، وسایل رفاهی و آزادی مردم» و... اشاره نمود (نک: تاجیک، ۱۳۸۳، ص ۳۴). با نگاهی به فاکتورهای بالا و تاثیر آن‌ها بر اعتماد سیاسی، به خوبی قابل فهم است که میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در انتخابات گوناگون و همچنین همه‌پرسی قانون اساسی، حضور فراگیر و گسترده مردم در طرح‌های سازندگی روستاها و شهرهای کشور، حضور عظیم مردم در راهپیمایی‌ها و مراسمات مربوط به انقلاب و نظام، حضور گسترده و خیره‌کننده مردم و جوانان به جبهه‌های جنگ و مبارزه با دشمن بعثی، حضور عظیم و داوطلبانه در شکل دادن بسیج و گروه‌های مقاومت مردمی، رأی دادن به طبقات روحانی و سستی جامعه به عنوان پایگاه انقلابی و محروم در راستای شعارها و آرمان‌های نظام، کم‌اهمیت دانستن مشکلات اقتصادی و تحمل وضعیت اسفبار اقتصادی به امید فردایی بهتر و ماندگاری انقلاب و... همگی از جمله مولفه‌های ایجاد و نمایش اعتماد سیاسی به نظام محسوب می‌شود. در نهایت، چنانچه ملاحظه گردید اعتماد سیاسی در دهه اول تابعی از وجود شخصیت‌های دینی و سیاسی همچون حضرت امام و...، جنگ و حضور مردم در جبهه‌های جنگ، مصادیق اعتماد ساز در حوزه اقتصاد جنگی، مشارکت سیاسی بالای مردم و... بوده و ما عملاً شاهد میزان بالایی از اعتماد سیاسی در کشور می‌باشیم و شاید این (اعتماد سیاسی بالا) مهم‌ترین عامل ایستادگی و تصمیمات استقلال طلبانه نخبگان سیاسی نظام در تمام زمینه‌های داخلی، خارجی و همچنین جنگ تحمیلی، بوده است.

1. Homans
2. Skinner
- 3 Perry
4. Putnam
5. Coleman
6. Klaus Uwe
7. Ztompka

کتابنامه

- ادیانی، علی (۱۳۷۸). *آسیب‌شناسی انتخابات و جایگاه مردم و مجلس*، تهران: نشر مولف.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- اوفه، کلاوس (۱۳۸۴). *چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد کرد؟ سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*، کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- ایروانی، محمد جواد (۱۳۷۷). *نهادگرایی و جهاد سازندگی*، تهران: نشر اداره کل روابط عمومی جهاد سازندگی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کوثر.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۶). *بررسی چگونگی مشارکت سیاسی مردم در نظام اسلامی با تجزیه و تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱۹۷.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹). *جامعه امن در گفتمان خاتمی*، تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). *رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز (مجموعه مقالات منتشر شده)*، ۳ جلد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹). "توسعه و الگوی اتحاد سه گانه"، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴: صص ۱۳۵-۱۵۰.
- حسینی صدر آبادی، محمد حسین (۱۳۸۴). "اثرات کنترل عمومی قیمت‌ها در اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی"، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، تابستان، شماره ۱۷: صص ۶۵-۸۶.
- حیدری، سیامک (۱۳۸۷). *عوامل موثر بر اعتماد سیاسی به حکومت (از بین جوانان دانشجوی و دانشگاه صنعتی شریف تهران)*، کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره): (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و احکام)*، جلد ۱۷، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- دارابی، علی (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها*، تهران: انتشارات سروش.
- دبیرخانه ستاد برنامه دوم، جهاد سازندگی تهران (۱۳۷۳). *گزارش عملکرد وزارت جهاد سازندگی در برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی*.

- دژیسند و رئوفی (۱۳۸۷). *اقتصاد ایران در دوران جنگ*، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- راش، مایکل (۱۳۷۹). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر سمت.
- ردادی، محسن (۱۳۹۰). *نظریه اعتماد سیاسی (با تاکید بر گفتمان اسلامی)*، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- رضایی، علی (۱۳۷۴). *درس نوگرایی، چین، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، تحلیلی بر مفاهیم و روش‌ها*، تهران: نشر جهاد.
- رضی، داود (۱۳۷۴). *بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۲*، کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
- زتومکا، پیتر (۱۳۸۴). *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلایی، تبریز: نشر مترجم.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۶). *"فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن"*، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره سوم: صص ۹۳-۱۲۰.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۶). *بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی*، دکتری، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۱). *"جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی"*، فلسفه، کلام و عرفان رواق اندیشه، مهر ۱۳۸۴ - شماره ۴۶: صص ۵۶-۷۲.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵). *مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴). *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)*، تهران: نشر عروج.
- فیرحی، داود (۱۳۸۴). *مفهوم مشارکت سیاسی*، تهران: نشریه علوم سیاسی.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غفاری لامضانی، تهران: انتشارات کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجموعه آماری ایران (۱۳۷۶). *سری زمانی آمارهای اقتصادی اجتماعی تا سال ۷۵*.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دوران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۱). *شکل‌گیری انقلاب اسلامی*، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۷). *سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر سرمایه‌گذاری عمومی*، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- همه با هم (۱۳۷۰). *کارنامه عملکرد ده ساله جهاد سازندگی از ۱۳۵۸-۶۱*، تهران: نشر وزارت جهاد سازندگی.

Lipset, Seymour and Rokkan (1990). Stein (eds.), *Party Systems and Voter Alignments*, New York

Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work; Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

<http://mandegarmmmg.ir>